

بررسی فعل‌های پیشوندی در کتاب «معانی کتاب‌الله تعالی و تفسیره المنیر»

محمود جعفری دهقی

دانشیار - عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

مریم ایزدی پارسا

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی - دانشگاه تهران

چکیده

فعل کلمه‌ای است که در جمله در جایگاه اسناد قرار می‌گیرد و به تنهایی یا با کمک وابسته‌هایی در یکی از زمان‌های گذشته، حال و آینده؛ بر واقع شدن امری دلالت می‌کند، یعنی یا خود به نهاد اسناد داده می‌شود، یا کلمه‌ای را به نهاد اسناد می‌دهد. فعل‌های پیشوندی، فعل‌هایی هستند که از یک پیشوند و یک فعل ساده ساخته شده‌اند. در این مقاله، پس از توضیحاتی چند درباره فعل و فعل‌های پیشوندی و پیشینه تاریخی استفاده از این نوع فعل، نمونه‌هایی از کتاب «معانی کتاب‌الله تعالی و تفسیره المنیر» که به اختصار به «تفسیر حدادی» موسوم است، ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: فعل، فعل‌های پیشوندی، معانی کتاب‌الله تعالی و تفسیره المنیر، تفسیر حدادی.

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

مقدمه

کتاب «معانی کتاب‌الله تعالی و تفسیره المنیر» نسخه‌ای از قرآن کریم همراه با ترجمه و تفسیر فارسی (شامل نیمی از سوره کهف و سوره‌های مریم، طه، انبیاء و حج) است که اصل آن در کتابخانه کاخ موزه تویقایی (استانبول) نگهداری می‌شود. این مصحف/تفسیر ارزشمند، کهن‌ترین نسخه مترجم قرآن است که تاریخی مشخص دارد؛ سوای آنکه کتابت و نسخه‌آرایی آن، جلوه‌ای کم‌نظیر از هنر قدسی را به نمایش می‌گذارد و متن آن در شمار قدیم‌ترین تفاسیر فارسی قرآن است.

نگارنده مقدمه کتاب، آقای سید محمد عمادی حائری، بر اساس دو صفحه نخست کتاب (همراه با مشخصاتی در ذیل آن) که به صورت تزئینی در مقدمه اکمل‌الدین احسان اوغلو بر جلد اول «کتابشناسی جهانی نسخه‌های خطی ترجمه قرآن کریم» به چاپ رسیده است، به بررسی دست‌نویس همت گمارد تا اینکه به مدد رئیس کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران، تصویر کامل این دست‌نوشته به دست آمد. این کتاب از لحاظ قدمت، چهارمین نسخه تاریخ‌دار فارسی پس از این سه نسخه است: ۱- «الأبنيه عن حقائق الأدویه» ابومنصور موفق هروی؛ ۲- «شرح التعرف لمذهب التصوف» (نورالمریدین و فصیح‌المدعین) که شرح فارسی ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری بر «التعرف لمذهب التصوف» ابوبکر کلاباذی است؛ ۳- «هدایه المتعلمین فی الطب» ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخاری.

از این کتاب که به تفسیر حدادی موسوم است، مجلدی در کتابخانه موزه بریتانیا (لندن) نگهداری می‌شود و متن آن با عنوان «تفسیری بر عשרی از قرآن مجید» به کوشش جلال متینی، به چاپ رسیده است. از ظواهر امر چنین

برمی‌آید که تفسیر *حدادی* در چند مجلد بوده است، زیرا هنگامی که بخش موجود که تنها از دو بخش قرآن بیشتر است بالغ بر ۲۳۹ برگ (که در نسخه عکسی، ۴۷۶ برگ دارد) باشد، این قرآن می‌بایستی در مجلدی با حدود ۳۵۰۰ برگ، کتابت شده باشد که چنین امری بسیار بعید به نظر می‌رسد، زیرا در سنت کتابت مصاحف و تفاسیر قرآنی - به‌ویژه در ترجمه‌ها و تفاسیر کهن فارسی - چند نوع تقسیم‌بندی دیده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح است:

- تقسیم‌بندی سی‌پاره: مانند قرآن‌های سی‌پاره آستان قدس رضوی؛
- تقسیم‌بندی بیست‌پاره: همچون نخستین ترجمه تفسیر طبری؛
- تقسیم‌بندی چهارده‌پاره (هر بخش شامل نیمی از هفت سبغ قرآن)؛
- تقسیم‌بندی ده‌پاره: مانند نسخه نگهداری شده در موزه بریتانیا از همین تفسیر؛
- تقسیم‌بندی هفت‌پاره (مطابق با هفت سبغ قرآن): مانند تفسیر سورآبادی؛
- تقسیم‌بندی چهارپاره: مانند تفسیر کمبریج؛
- تقسیم‌بندی دوپاره (که در آن، قرآن به دو بخش نسبتاً مساوی تقسیم می‌شود، از سوره فاتحه تا پایان سوره کهف و از سوره مریم تا آخر کتاب): مانند تفسیر کتاب‌الله ابوالفضل بن شهردویر دیلمی.

از این میان، بر اساس نوشته متینی که تقسیم‌بندی ۱۰ جلدی را به مؤلف نسبت می‌دهد، گفته می‌شود تقسیم‌بندی نسخه توپقایی با تقسیم‌بندی ده‌پاره که هر مجلد آن دربردارنده سه جزء از قرآن است، قرابت بیشتری دارد، زیرا از آیه ۶۰ سوره کهف (سوره ۱۸، اواخر جزء ۱۵) آغاز گردیده است و تا سوره حج (سوره ۲۲، اواخر جزء ۱۷) را شامل می‌گردد. ظاهراً برگگی از آغاز و پایان نسخه بریتانیا افتاده است و در آن نسخه تا اواسط آیه ۲۰ سوره فرقان (سوره ۲۵، جزء ۱۸)، ترجمه و تفسیر شده و شامل ترجمه و تفسیری از سوره‌های مؤمنون و نور و آیاتی از سوره فرقان است؛ اما ترجمه و تفسیر آیات ۶۰ تا ۷۵ سوره کهف در آن نسخه نیست، همچنین در این میان بین ۲ تا ۳ برگ (مربوط به ترجمه و تفسیر آیات ۴۵ تا ۵۲ سوره حج) نیز از میانه نسخه بریتانیا ساقط شده است که در نسخه توپقایی می‌توان آن‌ها را یافت (متینی ۱۳۵۲: دوازده). از مجلدات دیگر تفسیر *حدادی* تاکنون نسخه‌ای و نشانی یافت نشده است، اما گمان می‌رود تفسیری که تنها ۴۶ برگ از آن به دست آمده (شامل ترجمه و تفسیر آیات ۶۵-۱۵۱ سوره بقره) و به تفسیر قرآن پاک شهرت دارد، بخشی از مجلدات تفسیر *حدادی* باشد. تفسیر قرآن پاک، هم از نظر متن (ساختار، الفاظ، منابع و شیوه بخش‌بندی آیات) و هم از نظر نسخه (شیوه کتابت و برخی اعراب‌گذاری‌های ویژه‌های فارسی)، با دو نسخه تفسیر *حدادی* (توپقایی و بریتانیا) مشابهت دارد (عمادی حائری، ۱۳۹۰: ۱۲).

مؤلف و کاتب کتاب

متینی هنگام نشر تفسیری بر عسری از قرآن مجید، با احتیاط آن را از نیمه قرن چهارم تا پایان قرن پنجم تاریخ‌گذاری کرد و «در زمره آثاری دانست که حداکثر تا پایان نیمه اول قرن پنجم هجری تألیف شده» است (متینی، ۱۳۵۲: بیست‌ودو).

متینی درباره مؤلف تفسیر می‌نویسد: «درباره مؤلف کتاب چیزی جز این نمی‌دانیم که وی از اهل سنت و جماعت بوده است و قرآن مجید را به شیوه مفسران این فرقه در قرون سوم و چهارم و پنجم با بی‌طرفی تفسیر کرده است». (متینی ۱۳۵۲: پانزده). اکنون بر اساس نوشته صفحه عنوان نسخه توپقایی، مؤلف این تفسیر، «ابونصر احمد بن محمد بن حمدان بن محمد حدادی» است که در نسخه توپقایی با عناوین «الشیخ الإمام و رکن الإسلام و

سیف السنه» از وی یادشده (تفسیر حدادی: ۱) و در سال ۴۸۴ ق در قید حیات بوده است (همان‌جا، که از مؤلف با عبارات «رضی‌الله‌عنه و قَدَّسَ رُوحُه» یادشده است).

از القابی که از صدر نسخه توپقاپی برای ابونصر حدادی یادشده، می‌توان به جایگاه اجتماعی و شهرت علمی و مذهبی وی پی برد. سفارش کتابت و تذهیب تفسیر حدادی (نسخه توپقاپی) از سوی سلطان ابراهیم غزنوی (حک: ۴۵۱-۴۹۲ ق)، نیز به تنهایی گویای اهمیت و شهرت این تفسیر در آن ادوار است. اما با کاوش در کتب تراجم و نیز منابع تاریخ و حدیث، کسی را با کنیه و نام و نسب ابونصر احمد بن محمد بن حمدان بن محمد حدادی نمی‌توان یافت که - از نظر زمانی و با توجه به تاریخ کتابت نسخه - بتواند مؤلف این اثر باشد. در این میان، البته همانندی نام و کنیه و نسب دو عالم متقدم با مؤلف تفسیر حدادی شایان توجه است:

○ نخست، محدثی با نام «احمد بن محمد بن حمدان المکتب» که یکی از مشایخ ابن‌بابویه (فقیه و محدث نامدار امامیه، م ۳۸۱ ق) است و ابن‌بابویه حدیثی را به روایت از او در *أمالی* اش نقل نموده است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۷: ۲۴۹).

○ دیگری، عالمی با عنوان «ابونصر احمد بن محمد القرشی السمرقندی» که عمر بن محمد نسفی (م ۵۳۸ ق) در *الفند* از وی یاد کرده است (نسفی، ۱۳۷۸: ۷۷).

همانندی نام و نسب و کنیه این دو تن البته قرینه‌ای ضعیف بیش نیست، به‌ویژه آنکه به دنبال نام و نسب هیچ‌یک از آن‌ها نسبت «حدادی» نیامده است. افزون بر این، در مورد شخص نخست باید گفت که تاریخ زندگی وی (که قاعدتاً پیش از وفات ابن‌بابویه در ۳۸۱ ق یا در حدود همان سال‌هاست) با تاریخ زندگی مؤلف تفسیر ما که احتمالاً به نیمه نخست قرن پنجم محدود می‌شود، هماهنگ نیست. در مورد شخص دوم هم این نکته شایان توجه است که نسفی هیچ اشاره‌ای به آثار وی نمی‌کند و این امر درباره کسی که مؤلف تفسیری در چند مجلد باشد دور از انتظار است. درباره شخص دوم البته قرینه مثبتی نیز هست و آن اینکه فردی را با عنوان «ابونصر سمرقندی» می‌شناسیم که از مشایخ کرامیه بوده و در ۴۵۵ ق درگذشته است؛ همو که حکایتی در باب توبه عتبه غلام به دست حسن بصری را برای ابوحنیفه عمر بن حسن نیشابوری سمرقندی (مؤلف کرامی رونق‌المجالس در نیمه اول قرن پنجم) نقل کرده است (پورجوادی، ۱۳۸۵: ۲۳۰، ۲۴۶-۲۴۷).

ابونصر حدادی تفسیر حسین بن فضل (م ۲۲۸ ق) و روایت محمد بن اسمعیل بخاری (م ۲۵۶ ق) را در کتابش آورده، و به ذکر اقوال و آرای سهل تستری (م ۲۸۳ ق)، به وسعید خراز (م ۲۸۶ ق)، بوالحسن نوری (م ۲۹۵ ق)، جُنید بغدادی (م ۲۹۷ ق)، ابن عطا [آدمی بغدادی] (م ۳۰۹ ق) و [ابوبکر] محمد واسطی (م ۳۳۱ ق) پرداخته است. بر اساس تاریخ وفات این افراد تنها می‌توان گفت که روزگار زندگانی ابونصر حدادی پیش از قرن چهارم نبوده است.

شیوه ابونصر در ترجمه و تفسیر آیات قرآن

تفسیر حدادی به گواهی تاریخ کتابت نسخه توپقاپی (۴۸۴ ق) - پس از تفسیر معروف به تفسیر طبری (نیمه قرن چهارم هجری) - در زمره کهن‌ترین تفاسیر فارسی قرار دارد و در ردیف آثاری همچون *تاج التراجم ابوالمظفر شاهفور* اسفراینی (م ۴۷۱ ق) و *تفسیر التفاسیر ابوبکر عتیق* سوراآبادی نیشابوری (م ۴۹۴ ق) جای می‌گیرد. تفاسیر کهن فارسی را بر اساس ترجمه‌های آنان از آیات قرآنی، به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. تفاسیری که بخشی از آیه را نقل و ترجمه می‌کنند و به دنبال ترجمه هر بخش، تفسیر کوتاهی از آن می‌آورند و سپس به ذکر اقوال مفسران و مباحثی از این دست می‌پردازند؛ مانند: تفسیر سورآبادی، تفسیر حدادی و بخشی از تفسیری کهن.

۲. تفاسیری که نخست چند آیه پیاپی را نقل و به فارسی ترجمه می‌کنند (در بسیاری موارد در بین سطور قرآن) و سپس به تفسیر آن‌ها می‌پردازند؛ مانند: ترجمه تفسیر طبری، تاج التراجم شاهفور اسفراینی، و روض الجنان ابوالفتوح رازی (عمادی حائری، ۱۳۹۰: ۱۸؛ نیز نک: همو، قرآن فارسی کهن ۱۳۸۶: ۳۶، پانوش ۱).

نسخه‌های مترجم قرآن - یعنی ترجمه‌های بدون تفسیر - تا قرن ششم، برخی رونویسی از تحریرهای گوناگون (در به تحریر اصلی به ترتیب تاریخی) نخستین ترجمه فارسی قرآن‌اند (که در دل ترجمه تفسیر طبری جای گرفته‌اند) و برخی دیگر سخت تحت تأثیر آن‌اند (همو ۱۳۹۰: ۱۸؛ نیز نک: همو، قرآن فارسی کهن ۱۳۸۶: ۲۰-۲۲، ۲۶-۲۷، ۲۹-۳۰)، در حقیقت، نخستین ترجمه‌های قرآن به فارسی که یکسره مستقل از نخستین ترجمه رسمی قرآن‌اند، دو ترجمه موزون قرآنی‌اند (تفسیر نسفی و ترجمه‌ای آهنگین) که در قرن ششم فراهم آمده‌اند (همان: ۳۰-۳۲) و یکی از آن دو (ترجمه‌ای آهنگین) اساساً برگردانی آزاد از قرآن به شمار می‌رود.

در تفاسیر فارسی، تأثیرپذیری از نخستین ترجمه فارسی قرآن به اندازه ترجمه‌های بین سطور مصاحف قرآنی نیست. در این تأثیرپذیری نیز، میان دو دسته از تفاسیری که در بالا ذکر شد تفاوت است: در حالی که ترجمه‌های قرآنی تفاسیری همچون تفسیر سورآبادی، بخشی از تفسیری کهن و تفسیری بر عسری از قرآن مجید کاملاً مستقل از نخستین ترجمه قرآن (در ضمن ترجمه تفسیر طبری) به نظر می‌رسند؛ تفاسیری مانند: کشف‌الاسرار میبدی و روض الجنان ابوالفتوح رازی در ترجمه‌های قرآنی خود بی‌تردید متأثر از نخستین ترجمه قرآن هستند. در میان تفاسیر دسته دوم، هر چند مفسر صاحب‌نظری چون شاهفور اسفراینی مطابق پیش‌فرض‌های خود دست به ترجمه آیات زده است، با این همه می‌توان نشان داد که شاهفور اسفراینی نیز - که در روزگار خود مدعی باید‌ها و نبایدهای نوینی در ترجمه قرآن است و بر خلاف بیشتر مفسران و مترجمان، پایبند نخستین ترجمه قرآن نیست - آن ترجمه کهن معیار را پیش چشم داشته و جا به جا از آن بهره برده است (عمادی حائری، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹).

با این‌همه، ابونصر حدادی در استقلال ترجمه قرآنی خود، از نخستین ترجمه قرآن، از مفسرانی همچون شاهفور اسفراینی و عتیق نیشابوری نیز به مراتب جلوتر است و ترجمه‌های قرآنی وی گویای استقلال او از ترجمه رایج و رسمی قرون چهارم و پنجم (نخستین ترجمه قرآن) است. مقایسه‌ای کوتاه میان ترجمه‌های قرآنی حدادی با نخستین ترجمه قرآن به فارسی و ترجمه‌های آیات قرآن در چند تفسیر فارسی دیگر از قرن پنجم، این نکته را به‌خوبی نشان می‌دهد. با توجه به استقلال ترجمه‌های قرآنی ابونصر حدادی از نخستین ترجمه فارسی قرآن، باید گفت که وی فردی صاحب‌نظر و رأی در ترجمه آیات بوده که با وجود قربت زمانی با نخستین ترجمه قرآن به فارسی - که در آن روزگاران تقریباً ترجمه‌ای معیار به شمار می‌آمده - از آن تأثیر پذیرفته است. صاحب‌نظر بودن مؤلف این تفسیر را از برخی اظهارنظرهای تفسیری او نیز می‌توان دریافت، مانند: گروهی از مفسران گفتند کی او را خود برآذری بود هارون نام امّا به نزد ما دُرست نیاید (سوره مریم، آیات ۲۷-۲۸، ص ۸۸) (عمادی حائری، ۱۳۹۰: ۱۹).

کلیاتی درباره فعل و فعل‌های پیشوندی

الف) فعل

فعل در جمله، جایگاه اسناد را اشغال می‌کند، یعنی یا خود به نهاد اسناد داده می‌شود یا کلمه‌ای را به نهاد اسناد می‌دهد و به‌تنهایی یا به کمک وابسته‌هایی، در آن واحد اغلب به چهار مفهوم دلالت می‌کند: ۱. مفهوم شخص، ۲. مفهوم شمار (افراد یا جمع)، ۳. مفهوم زمان، ۴. یکی از مفاهیم الف) انجام دادن یا انجام گرفتن کاری، ب) واقع شدن کار بر کسی یا چیزی، پ) پذیرفتن حالتی یا صفتی، ت) اسناد، یعنی نسبت دادن صفتی یا حالتی بر کسی یا چیزی، ث) وجود داشتن، ج) مالکیت و دارا بودن چیزی؛ به‌صورت منفی یا مثبت. وقتی فعلی به کار می‌رود، هر چهار مفهوم را در آن واحد می‌رساند (احمدی‌گیوی و انوری، ۱۳۸۵: ۲۰؛ نیز نک. فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۳۷۶-۳۷۷).

ب) فعل‌های پیشوندی

فعل‌های پیشوندی فعل‌هایی هستند که از یک پیشوند و یک فعل ساده ساخته می‌شوند. مهم‌ترین پیشوندهایی که فعل و مصدر پیشوندی می‌سازند عبارت‌اند از: بر، در، فرو، فرود، فرا، باز، وا، ور. (احمدی‌گیوی و انوری، ۱۳۸۵: ۲۴).

پ) فعل‌های پیشوندی مرکب ۲

این فعل‌ها گاهی با کلمه‌ای ترکیب می‌شوند و معنی واحدی را بیان می‌کنند که این معانی غالباً مفهومی مجازی‌اند: دم درکشید (= خاموش شد)، سر در آورد (= فهمید)، تن در داد (= تسلیم شد) (احمدی‌گیوی و انوری، ۱۳۸۵: ۲۴ و ۲۵؛ نیز نک. فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۴۱۴-۴۱۵).

پیشینه تاریخی فعل‌های پیشوندی

الف) فعل‌های پیشوندی ایرانی باستان

فعل‌های پیشوندی در ایرانی باستان با پیشوندهایی به این شرح نشان داده می‌شدند:

۱. پیشوند با فاصله یا بی‌فاصله پیش از فعل می‌آید، مانند:

apa hača LzahibyO miθra barOis.

[کاش] ای مهر! [ما را] از آندوه‌ها دور می‌کردی (یشت ۱۰، بند ۲۳).

در این مثال **apa barOis** پیشوند است و درواقع **apa barOis** فعل پیشوندی است به معنای «دور

می‌کردی».

۲. گاه یک پیشوند دو بار تکرار می‌شود، یک‌بار پیش از چند کلمه و دیگر بار پیش از فعل، مانند:

hLm iDa SaEtvM hLm bArayvn.

اینجا خواسته انبار کنند (ویدیوداد ۴، بند ۴۴).

حسن انوری و حسن احمدی‌گیوی، در ذکر مثال برای این پیشوند، مثال فرود آمدن و فرود آوردن را ذکر کرده‌اند که به نظر نگارنده درست نمی‌باشند چراکه، پیشوند فرود نمی‌بایستی استقلال کلمه داشته باشد اما در این نمونه‌ها استقلال کلمه مبرهن است و چندان درست نیست.

۳. هنگامی که فعل پیشونددار باید تکرار شود، به جای تکرار فعل و پیشوند آن، تنها پیشوند تکرار می‌شود، مانند:

aya daEnaya fraorvnta ahurO mazdI aSaWa, frA WohU manO frA....

به این دین گروید اهورمزدا اشو، وهومنه... (یسن ۵۷، بند ۲۴).

در اینجا بجای تکرار فعل پیشوندی fra fraorvnta «گروید» تنها پیشوند frA تکرار شده است.

۴. یک فعل ممکن است دو پیشوند داشته باشد، مانند: para-A-kan- «پراکندن» (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۶۶).

ب) فعل‌های پیشوندی ایرانی میانه غربی

برخی فعل‌های پیشوندی ایرانی میانه غربی با پیشوندهای فعلی ایرانی باستان به صورت مرده در فعل‌هایی از ایرانی میانه غربی دیده می‌شود و برخی دیگر از پیشوندهای فعلی ایرانی باستان به ایرانی میانه غربی رسیده‌اند، مانند:

۱. برخی از پیشوندهای مرده

پهلوی اشکانی ترفانی فارسی میانه فارسی دری

AGad Amad آمد (ماده ماضی آمدن)

abgan- abgan- (apa- →) (apa- →) افگن- (ماده مضارع افگندن)

abzAy- (upa- →) افزای- (ماده مضارع افزودن)

izgadan (uz- →) خارج شدن

niSast (ni- →) نشست (ماده ماضی نشستن)

widardan (wi- →) گذردن

۲. در اینجا، بن فعل، مصدر تلقی می‌شود چون خاصیت اسمی پیدا می‌کند و هم‌کرد به همراه قسمت غیرفعلی می‌آید (نگارنده).

۲. پیشوندهای زنده www.anjomanfarsi.ir

فارسی میانه فارسی دری

abar- ابر- بر-

abAz- اباز- باز- وا- فا-

andar اندر- در-

Er- (زیر) -

frAz- فراز-

frOd- فرود- فرو-

pES- پیش -

ul- (بر) - (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۳).

پ) فعل‌های پیشوندی فارسی دری

این فعل‌ها، با پیشوندهایی که بازماندهٔ پیشوندهای فعلی فارسی میانه‌اند ساخته می‌شوند:

فارسی میانه فارسی دری

abAz اباز، باز، وا

abar ابر، بر

andar اندر، در

bErOn بیرون

pES پیش

—فرا

frAz فراز

frOd فرود، فرو (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۲۲۱-۲۲۲).

نمونه‌هایی از فعل‌های پیشوندی در تفسیر حدادی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، فعل‌های پیشوندی فعل‌هایی هستند که از یک پیشوند و یک فعل ساده ساخته شده‌اند. مهم‌ترین پیشوندهایی که فعل و مصدر پیشوندی می‌سازند عبارت‌اند از: بر، در، فرو، فرا، باز، وا، ور. نکتهٔ مهم این است که فرود، فرا، فرو و بر اگر فعل را مقید سازند، قیدند نه پیشوند و ما آن‌ها را قید شبه پیشوند می‌نامیم، مانند:

فُرُود افشُرد: بادشاً تعالی این کوه‌ها را فُرُود افشُرد ... (سورهٔ انبیاء، آیات ۳۱-۳۳، ص ۲۹۳).

فرو افسانند: فرو افسانند بر تو این درخت خرماي فُختَه رسیده بجیدن آمده ... (سورهٔ مریم، آیات ۲۴-۲۵، ص

۸۵).

فُرویوباراند: تا آن همه رسن‌ها و آن جُوبها را یک لُقمه کُند بکلوا فرویوباراند (سورهٔ طه، آیات ۶۹-۶۸، ص

۲۱۰).

فرویوبارید: ... آن همه عَصاهَا و رسن‌ها را عَصای مُوسی علیه السَّلَم بخورد و فرویوبارید (سورهٔ طه، آیه

۷۰، ص ۲۱۲).

باز بوَدند (= ابا کردند): ... باز بوَدند از مهمان داری کردن ایشان و طعامشان ندادند (سورهٔ کهف، آیهٔ ۷۷، ص ۱۶).

می‌فُرو شد (= غروب می‌کرد): جُنان دید مر آفتاب را کی اندر چشمه از آب کرم می‌فُرو شد (سورهٔ کهف، آیه

۸۶، ص ۳۴).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که به تفصیل توضیح داده شد، فعل‌های پیشوندی فارسی دری، با استفاده از پیشوندهای بازمانده از فارسی میانه، ساخته شده‌اند و از آنجایی که متن «تفسیر حدادی» نیز به زبان فارسی دری قرون چهارم و پنجم هجری قمری می‌باشد و این مهم از زیر و زیر گذاری‌های واژه‌ها به‌خوبی آشکار است؛ می‌توان چنین استدلال کرد که: فعل‌های پیشوندی استفاده شده در این کتاب، کماکان ادامهٔ روند ساخت فعل‌های پیشوندی فارسی دری را دارا می‌باشد با این توضیح که در متن کتاب موجود، تنها با استفاده از سه قید فرود، فرو و باز، - که از این میان، فرود و فرو، از جمله قیدهایی شبه پیشوندی هستند - ساخت فعل‌های پیشوندی صورت گرفته است و انواع دیگر قیدهایی پیشوندساز افعال،

در این متن مشاهده نگردید، هرچند این گمان پابرجا خواهد بود که در صورت کشف سایر مجلدات این تفسیر منیر - که امید داریم روزی این آرزو به جامه حقیقت ملبس گردد - سایر گونه‌های فعل‌های پیشوندی هم ملاحظه و بررسی گردند.

علاوه بر این‌ها، همان‌طور که مشاهده می‌کنید، این فعل‌های پیشوندی در زمان‌های آینده و گذشته ساخته شده‌اند و در یک مورد: می فرو شد، ساختی کهن استفاده است، یعنی آوردن «می» استمراری پیش از فعل ماضی پیشوندی که این خود یکی از کاربردهای کهن فعل در زبان فارسی است که در این متن نیز وجود دارد (برای توضیحات بیشتر نک. احمدی گیوی و انوری ۱۳۸۵: ۳۳۶).

فهرست منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین بن موسی (۱۴۱۷ ق)، *الأمالی*، قم.
ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران.
احمدی گیوی، حسن؛ انوری، حسن. (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی ۲*. تهران.
پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۵)، *رونق المجالس: قدیم‌ترین مجموعه حکایت‌های اخلاقی - دینی به پارسی*، تهران.
عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۶)، *قرآن فارسی کهن*، تهران.
----- (۱۳۹۰). *معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر*، مقدمه سید محمد عمادی حائری، تهران.
فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴)، *دستور مفصل امروز*، تهران.
متینی، جلال (۱۳۵۲)، *تفسیری بر عشری از قرآن مجید*، به کوشش جلال متینی، تهران.
نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۸)، *القلند فی ذکر علماء سمرقند*، به کوشش یوسف الهادی، تهران.

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir